

## فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

محمد رحیم عیوضی<sup>۱</sup>  
اعظم امامی<sup>۲</sup>

۱۰۵

### چکیده

قدرت نرم از جمله مقولات نوظهوری است که به‌رغم جدید بودن آن، از نظر ماهیت واژه‌ای مسبوق به سابقه است. به گونه‌ای که موشکافی دقیق اندیشه امام خمینی حاکی از غلبه وجه نرم‌افزار قدرت بر سخت‌افزار آن است سیره نظری و عملی امام گویای آفرینش نوع جدیدی از قدرت است که جهان‌بینی اسلامی مرکزیت آن را تشکیل می‌دهد. به گونه‌ای که سایر عناصر قدرت‌آفرین بر گرد این محور، توان اعمال قدرت دارند. از همین‌رو نقطه آغازین فرایند تولید قدرت نرم در اندیشه امام مبتنی بر احیا و ترویج ارزش‌ها و الویت‌های منبعث از دین اسلامی است. زنده‌شدن فرهنگ اسلامی به معنای زنده‌شدن منابع اصیل قدرت نرم است که در مراحل بعدی می‌تواند در یاری نظام سیاسی به سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی تبدیل شود. از این رو این مقاله در پاسخ به این سؤال که مکانیسم تولید قدرت نرم در اندیشه امام خمینی چیست؟ مدعی آنست که فرایند تولید قدرت نرم در اندیشه امام دارای سه مرحله ۱. تولید فرهنگ، ارزش، سیاست، تفکر، باور و به‌طور کلی جریان‌های فکری مقبول، مشروع و جذاب ۲. الگوپردازی ۳. تبدیل منابع اولیه قدرت نرم به سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی است.

کلیدواژه: امام خمینی، قدرت نرم، منابع قدرت، سرمایه اجتماعی، دین

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). Mail: re.eivazi.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی. Mail: azamemami44@yahoo.com

## ۱. قدرت نرم

قدرت، از مفاهیم اصلی علم سیاست و به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکل است. اما حاکمیت‌ها و جوامع عصر حاضر تلاش دارند به جای تأثیرگذاری از راه ارباب، تهدید و خشونت، از راه ایجاد جذابیت‌های فرهنگی و اقتصادی به نفوذ ارزش‌های خود در دیگر جوامع اقدام کنند.

ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه گرامشی واضح اصطلاح هژمونی دانست. گرامشی با کمک‌گرفتن از این واژه در صدد نشان‌دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. او معتقد بود نظام سرمایه‌داری با بهره‌گیری از این جاذبه‌ها اقدام به تولید قدرت می‌کند و با این اقدام، مانع شکل‌گیری مقاومت در برابر اهداف خود می‌شود. در نگاه استیون لوکس، از قدرت نرم به‌عنوان چهره سوم قدرت یاد شده است، قدرتی که برفرد یا گروه اعمال می‌شود، بی‌آنکه در مورد این اعمال قدرت آگاهی وجود داشته باشد (کلگ، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

به‌عبارتی، در اعمال قدرت نرم، جایگاه سوژه و ابژه قدرت تغییر می‌کند. در وضعیت سیطره، گاه فرد از اعمال قدرت هم‌باخیر است، اما به دلیل رضایت، در برابر آن مقاومت نمی‌کند. اما در این شکل از قدرت، فرد یا گروه که بر او اعمال قدرت می‌شود، لزوماً به این اعمال قدرت آگاه نیست. با این حال جامع‌ترین تعریف از قدرت نرم متعلق به ژوزف نای است که منظور خود از قدرت نرم را این‌گونه بیان می‌کند: «قدرت نرم، متکی بر توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت است» (نای، ۱۳۸۷: ۶-۴۳).

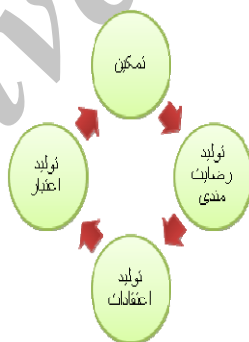
در اینجا هیچ‌گونه دخالت فیزیکی، و دخالت در گزینه‌های انتخاب شده صورت نمی‌گیرد. بلکه فرایندی روی می‌دهد که طی آن طرف مقابل کنش مطلوب ما را، برای خود قلمداد می‌کند. در اینجا، این احساس پدید می‌آید که دو طرف دارای منافع، ارزش‌ها، یا علایق مشترکی هستند که زمینه را برای همکاری یا همراهی مشترک فراهم

می‌کند. با عنایت به این تعریف باید ذهنی‌بودن را از ویژگی‌های قدرت نرم دانست چنانچه فوکو در توصیف قدرت چنین می‌گوید:

قدرت با ضابطه‌مند کردن مستمر ذهن شهروندان، عمل می‌کند؛ و به شیوه‌ای نامرئی و بی‌فایده همانگونه که گفته بودم بر "الیاف نرم مغز" تأثیر می‌گذارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

به‌واقع آنچه از فحوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه نسبی جدید قدرت نرم بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. در قدرت نرم بر روی ذهن و رفتار سرمایه‌گذاری می‌شود، تا عینیت مجازی تولید کند. این قدرت شامل توانایی جذب و مشارکت دیگران، همراه با رضایت آنان است (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

در قدرت نرم شکل آمرانه قدرت که با تهدید عینی همراه بود، تبدیل به قدرت متقاعدکننده می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت استفاده از قدرت نرم نتایجی را به دنبال دارد که در دسته‌بندی زیر قابل ارائه است (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۱۵).



مطابق این نمودار، قدرت نرم منجر به شکل‌گیری تصویر ذهنی مثبت از تولیدکننده آن در نظر مخاطب شده و باعث به‌وجود آمدن رضایت‌مندی در افکار عمومی او خواهد شد و انباشت این رضایت‌مندی موجب کسب اعتبار نزد مخاطب شده و او را بدون به‌کارگیری قدرت سخت به تمکین وا می‌دارد. البته نتایج قدرت نرم همیشگی و

ثابت نیستند و چنانچه مطلوب افکار عمومی قرار نگیرد از قدرتش کاسته خواهد شد و چنانچه مطلوب واقع گردد باز تولید می‌شود.

آقای افتخای در توصیف قدرت نرم چنین می‌گوید:

قدرت نرم تلاشی را به نمایش می‌گذارد که در آن؛ صورت و سیرت قدرت را با پیوند به مفهوم "جذابیت" به سمت و سوی حقانیت هدایت می‌کند. بستر اصیل این تلاش را باید در عنصر اجتماعی شدن قدرت باز شناخت. به بیان دیگر، با فزونی نقش نیروهای اجتماعی در شاکله جوامع مدنی و تعامل هدفمند آن‌ها با قدرت سیاسی در اندام واره نخبگان حکومتی قدرت سیاسی جایگاه انحصاری خود را به‌عنوان متغیر اصلی در ساحت سیاست از دست داده و نیروهای اجتماعی نیز مدعی این جایگاه شدند. هرچند باید به این تعامل در قالب "قدرت‌مند و قدرت" نیز توجه کرد. منظور از قدرت و ضد قدرت؛ این است که در کنار اراده معطوف به قدرت در مقام نیم رخ معادله قدرت نیم رخ دیگر آن اراده معطوف به مهار قدرت را ملاحظه کنیم.

آنچه صاحب‌نظرانی چون ویلیام لاپیر جهت مهار قدرت از طری اعتباربخشی به نهادهای اجتماعی و اجتماعی کردن قدرت بیان می‌کند متوجه کنترل قدرت توسط نیروهای اجتماعی است که زمینه‌پرور توجه به قدرت نرم می‌شود. عامل دیگر در ماهیت ارتباط‌گرایانه قدرت؛ در ساحت حیات جمعی است. نویسندگانی چون ماکس وبر قدرت را در فضای بین‌الذهانی و عرصه رفتاری حیات جمعی مورد توجه قرار می‌دهند. این رویکرد حامل این معناست که هر چه در حیات جمعی و اجتماعی شدن قدرت پذیرش بین‌الذهانی و رفتارپذیری فردی، در پرتو اجتماعی شدن قدرت فزونی می‌پذیرد؛ ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از آن و ابزارهای حاصل از آن تأثیرگذار و مؤثرتر می‌شود. در زاویه دید این نظر؛ قدرت به‌شکلی ریشه‌دار به ارزش‌ها وابسته است (افتخاری، ۱۳۸۷).

براساس گفتمان قدرت نرم، تنها ابزارهای اعمال قدرت مورد بازنگری و اصلاح کارکردی قرار نمی‌گیرد، بلکه افزون بر آن و در سطح عالی‌تر، منابع قدرت متحول‌شده و قدرت از درون جامعه می‌جوشد. از همین رو، اجتماعی کردن قدرت را در سطح مهار قدرت و ارزش‌پذیری قدرت مورد عنایت قرار می‌دهد.

از نظر فوکو قدرت رابطه‌ای است و به صورت رشته‌ها و تارهایی در هم پیچیده در اجتماع پراکنده است و در انحصار یک گروه و طبقه خاص نیست. فوکو با این بینش معتقد است که اسلام شیعی نیز در ذات خود، این قدرت و نیرو را دارد و در زمان مقتضی می‌تواند قدرت را جمع‌آوری کرده و علیه حکومتی یا رژیمی به‌کار گیرد. در قسمتی از مقاله وی می‌خوانیم: «در برابر قدرت‌های مستقر، تشیع پیروان خود را به

نوعی بی‌قراری مدام مسلح می‌کند و در ایشان شوری می‌دمد که هم سیاسی است و هم دینی... این مذهب تنها زبان ساده‌ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده‌اند، نیست. بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده: شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند، به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بی‌نوابی و سرخوردگی یک نیرو پدید می‌آورد».

برای فوکو چهره نرم‌افزاری و پراکنده قدرت در بین آحاد مردم که به صورت رابطه‌ای و شبکه گسترده و پراکنده شده‌اند، بسیار حائز اهمیت است. در انقلاب ایران نیز فوکو به ظهور این چهره نرم‌افزاری و در عین حال بسیار تأثیرگذار از قدرت اشاره می‌کند و معتقد است شاه، قدرت‌های عادی و رسمی را حذف کرده بود، اما غافل از اینکه قدرت شبکه‌ای و پراکنده با این اقدام تقویت شده بود. فوکو صف‌آرایی دو تعریف و دو چهره از قدرت را به خوبی به نمایش می‌کشد. آنجا که شاه و ارتش را نماد قدرت عریان و خشونت محض می‌داند و در مقابل اراده عمومی مردم و قدرت تجمیع شده آنان را جنبه نرم‌افزاری قدرت می‌داند: «آنچه در ایران مرا شگفت‌زده کرده است این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیس‌اش مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ یافت؛ در یک سو کل اراده مردم و در سوی دیگر مسلسل‌ها».

## ۲. منابع قدرت نرم

### سرمایه اجتماعی؛ منبع تولید قدرت نرم

امروزه، دیگر صرف برخورداری یک کشور از منابع و مواهب طبیعی، سرمایه محسوب نمی‌شود. بلکه مجموعه‌ای از سرمایه‌ها، از جمله بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی منجر به تولید و افزایش قدرت ملی کشورها خواهد شد. از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنین سرزمین از اعتماد و سایر مؤلفه‌های مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است. هیچ ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و همبستگی

اجتماعی قادر به حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه جهانی نخواهد بود. این اعتماد در دو سطح مردم - مردم و حاکمیت مردم قابل تجلی و بازتاب است. و سرمایه اجتماعی معطوف به کشف و استخراج این شاخصه‌ها در جوامع است (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

قدرت نرم با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان کشور را تقویت می‌کند و در راستای وضعیت مطلوب خویش، قرار می‌دهد. این گونه تغییرات، از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. بر پایه این تعریف، سرمایه اجتماعی که موضوعی فرهنگ‌مدار، و کلید واژه‌های ادبیات آن بر اعتماد، آرمان و ارزش‌های اخلاقی استوار است، از جایگاهی قابل توجه در قدرت نرم برخوردار است.

قدرت نرم یعنی توانایی تعیین اولویت‌ها، به گونه‌ای که با دارایی‌های نامرئی مانند جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌ها هم‌سو بوده و اعتبار معنوی را پدید آورد. برای مثال، اگر یک رهبر، ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن جامعه هزینه کمتری خواهد داشت. این اعتبار معنی، باعث خواهد شد انسان‌ها با اراده و علاقه خودشان کاری انجام دهند که اعمال‌کنندگان قدرت نرم آن را می‌خواهند. با این مقدمه، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از جمله منابع قدرت نرم و از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود.

سرمایه اجتماعی از آن حیث که به روان‌سازی فرایند تولید قدرت از سوی منابع سنتی کمک می‌کند، در خور توجه است. مطابق یافته‌های تاجفل، برخی از گروه‌های اجتماعی به جهت آنکه بتوانند از منابع پیشین خود به نحو احسن بهره‌برداری کنند - و به عبارتی ضریب بهره‌وری‌شان را افزایش دهند - به سرمایه اجتماعی متوجه شده‌اند. برای مثال، بسیج نیروی انسانی پیوسته یک منبع مهم تولید قدرت بود که در اشکال مختلف (از قبیل اجبار، تحمیل، تعریف ضوابط قانونی و ...) دنبال می‌شده است. اما تحول شرایط اجتماعی کاربرد روش‌های مذکور را ناممکن - یا بسیار دشوار - ساخته است. لذا بسیج‌گری نیازمند بهره‌مندی از روش‌های تازه‌ای است که "تأکید بر سرمایه

اجتماعی“ هم امکان استفاده از منابع را توسعه می‌دهند، هم هزینه‌های کارگزار را کاهش می‌دهند. و به این وسیله از دو ناحیه به بازیگر کمک می‌کند. تأکید تاجفل، بر اینکه گروه‌ها و جوامع موفق و کارآمد، آن‌هایی بوده‌اند که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، از همین ناحیه قابل درک و تفسیر است (تاجفل به نقل از افتخاری، همان: ۳۲۳).

### مشروعیت؛ منبع قدرت نرم

قدرت نرم، از جنس قدرت اقناعی در نوشته گالبرایت، قدرت هژمونیک در نوشته‌های گرامشی و فوکو است. قدرت مشروع، قدرتی است اجتماعی که از سوی دیگران پذیرفته شده و آن‌ها وجود و اعمال آن را در راستای حفظ منافع و ارزش‌های حیاتی خود و جامعه ارزیابی می‌کنند.

بین قدرت و مشروعیت، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. هر قدر مشروعیت بالا باشد، اعمال آن کم‌هزینه است و برعکس، هر چقدر میزان مشروعیت قدرت کاهش یابد، هزینه‌های آن افزایش یافته و ممکن است در نهایت به سرنگونی زمامداران یا تغییر نظام سیاسی بینجامد. حکومت‌ها، برای تداوم ثبات و حیات خود ناگزیر به حفظ و افزایش مشروعیت خود هستند.

### ۳. قدرت نرم در مکتب امام

گرچه قدرت از منظر امام در قالب تحلیل و تبیینی یک نظریه مشخص نمی‌گنجد و هیچ‌یک از تلاش‌های نظری که تا کنون در جهت کالبد شکافی این موضوع صورت گرفته، نتوانسته است به تنهایی بیان و تصویر گویا و شایسته از این پدیده شگرف و پیچیده ارائه دهد. لیکن تمرکز نویسنده در این مقاله تبیین مؤلفه‌های نرم‌افزارانه قدرت در سیره عملی و نظری امام خمینی با تأکید بر گفتمان اسلامی باشد.

بررسی رفتارها و سخنان امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که توجه امام به قدرت بیش از هر چیز مبتنی بر ماهیت نرم آن بوده، و این امر ناشی از آموزه‌های گفتمان اسلامی است. عملکرد امام در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی که در نهایت به پیروزی در هر دو مورد رسید، نشان از ظرفیت بالای قدرت نرم در نگاه امام خمینی بود.

امام خميني قدرت را به عنوان جريان واحد که ريشه در کانون هستی یعنی الله دارد، معرفی می‌کند. امام هدف از به‌کارگیری قدرت را استقرار جامعه‌ای سالم با شهروندانی فرهیخته و مذهبی می‌دانست که در پرتو آن آرمان‌های الهی تأمین و تحصیل شود.

تعریف قدرت از نظر منطق دین و معنویت با تعریف قدرت در منطق مادی بسیار تفاوت دارد. در منطق دین بخش عمده قدرت در وجود انسان‌هایی است که می‌خواهند این قدرت را به‌کار بیندازند. وقتی مجموعه‌ای فعالیت دارد و برای حق و آرمان‌ها تلاش و مجاهدت می‌کند و آماده است برای این مجاهدت وجود و امکانات و همه توان را به‌کار گیرد و قدرت واقعی آنجاست.

با جست‌وجو در آثار امام خمینی مفهوم قدرت در سه حوزه معرفتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نخست. قدرت با نگرشی هستی‌شناسانه در متون عرفانی و فلسفی بیان شده است و بر مبنای آن قدرت از صفات ذاتی خداوند هستی‌بخش به‌شمار می‌رود. و همه قدرت‌های هستی در طول آن معنا می‌یابد.

دوم. قدرت را با رویکرد روان‌شناسانه و معنوی خاص در متون اخلاقی تدوین شده است که بر اساس آن قدرت به معنای توانایی کنترل امیال و خودسازی است. سوم. به قدرت با رویکردی جامعه‌شناسانه در متون سیاسی و اجتماعی توجه شده که از نظر رفتار شناسی سیاسی فرایند زندگی امام نیز تفسیری روان‌کاوانه از قدرت را به ما القا می‌کند (راد، ۱۳۸۷: ۴۷).

محمدرضا تاجیک در توصیف قدرت از منظر امام چنین می‌نویسد:

امام پدیدآورنده گفتمانی بود که با تمامی بداعتش در سنت دیرینه اسلام ریشه داشت. قرائت ساختارزدای وی از اسلام (حداقل در برخی از وجوه) چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که بازتاب تمامی دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش بود. در مرکز گفتمان امام، اسلام به مثابه یک دال متعال بود. غنای مفهومی و محتوایی چنین دالی تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی آدمی را در بر گرفته، سیاست را هم‌نشین دیانت کرده هر دو را با سیمایی عرفانی مزین ساخته و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت "نظریه راهنمای عمل" نشانده بود.



گفتمان امام نه تنها بر موج اندیشه‌ها، که بر سپهر روح و جان مردمی رنج کشیده و تحقیر شده جای گرفت و انسان‌ها به حکم عقل که به حکم عشق پرچمش را به دوش کشیدند. کلام آخر را بگوییم؛ آنچه به تمامی این مفاهیم، گفتمان‌ها و کنش‌ها راه‌ها و رهروها معنا بخشید و آن‌ها را بر منزلتی بالا نشانده، شخصیت فرهمند و اندیشه ناب امام بود... در فعل و قول او فناوری‌های اعمال قدرت از پایین مجالی برای بروز و آزمایش یافتند. عرفان او، سکوت او، سخن او، هجرت او، اسلام او، تصویر او، نگه او احم او و... همه و همه نماد و نمود چهره‌ای دیگر از قدرتی شدند که همه چیز را در پای خود ذوب می‌کرد. قدرتی که پخش بود نه متمرکز. قدرتی که در هر مکان و زمانی، ممنزل و مأوی برای خود ساخته بود و به سخت‌افزار نظامی از سر بی‌اعتنایی می‌نگریست. قدرتی که رنگ خون داشت و نه شمشیر (تاجیک، ۱۳۷۷: ۶۹-۷۲).

#### ۴. فرایند تولید قدرت نرم

هدف اصلی قدرت نرم، اذهان مردم و به عبارتی دقیق تغییر ادراک و نگرش مردم در درجه اول است و جهت‌دهی به احساسات مردم در درجه دوم اهمیت است. بدین ترتیب از رهگذر تغییرات احساسی و نگرشی ایجاد شده، انگاره‌های بدیلی مقبولیت یافته و می‌تواند الگوهای رفتاری جامعه را تغییر دهد.

نای تأکید می‌کند که اصلی‌ترین عنصر قدرت نرم یک کشور در دنیای کنونی عنصر فرهنگی آن است. منظور از عنصر فرهنگی قدرت نرم هم بُعد کیفی و هم بُعد کمی آن است. صاحب‌نظران فرهنگ را شامل سه لایه دانسته‌اند: جهان‌بینی هسته مرکزی، و ارزش‌ها و باورها، لایه دوم آن را تشکیل می‌دهد. و تجلی مادی در لایه فوق، لایه سوم را عینیت می‌بخشد. از همین رو در تعریف فرهنگ گفته می‌شود: فرهنگ عبارت است از باورها و ارزش‌هایی که از زیرساخت‌های فکری و جهان‌بینی انسان‌ها نشئت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست فردی و اجتماعی متجلی می‌شود. (نائینی، ۱۳۸۸: ۷۸) ارزش‌های فرهنگی - ایدئولوژیک به واسطه تأثیرگذاری بر ادراک و احساسات، نقش مهمی در ترغیب دیگران دارند. از این رو جهت خلق و آفرینش فرهنگی مشروع و مقبول باید اقدام به تولید و ترویج ارزش‌هایی که سازنده لایه بنیادین فرهنگ یک جامعه هستند کرد تا از طریق آن بتوان نموده‌های رفتاری یک جامعه را تغییر داد. به این ترتیب مراحل تولید قدرت نرم این‌گونه است:

#### ۱.۴. مرحله اول. توليد و ترويج ارزش‌ها و اولويت‌ها

روش طبيعي توليد قدرت نرم اشاره به مقبوليت‌ها و جذابيت‌هاي واقعي فرهنگ، سياست، روش زندگي و تفکر اعمال‌کننده قدرت نرم دارد. توليد قدرت نرم يعني توليد و ايجاد فرهنگ، ارزش، سياست، تفکر، باور، روش زندگي و به‌طور کلي جريان‌هاي فکري مقبول، مشروع و جذاب و در معرض قرار دادن اين جريان‌هاي فکري براي ديگران؛

پس اولين مرحله توليد قدرت نرم توليد ارزش‌هاي مشترک بين تابع و آمر است. يعني کنش مورد نظر متکي بر ارزش‌هايي باشد که، طرف مقابل به‌منظور رعايت آن ارزش‌ها، خود را ملزم به انجام آن بداند. فرايند اعمال اين نوع قدرت نرم به اين شکل است که، طرف مقابل با توجه به شخصيتي که از خود در ذهن خود ترسيم کرده و يا تصويري که از خود براي ديگران ايجاد کرده است، زير پا گذاشتن مجموعه‌اي از ارزش‌ها را غيرممکن مي‌داند. لذا، در صورتي که نبود کنشي، تخطي از آن ارزش‌ها محسوب شود، او خود را ملزم به انجام آن‌ها مي‌بيند.

در مکتب امام دين و مذهب به مثابه يکي از مهم‌ترين کانون‌هاي ساطع‌کننده ارزش‌ها و باورها، از مراجع پيش‌دهنده تلقی می‌شود. لذا از بارزترين مؤلفه‌هايي است که نقش تعيين‌کننده در فرهنگ دارد. ماهيت دين و مذهب به گونه‌اي است که جهت‌گيري‌هاي اصلي را ترسيم کرده و معيار خير و دوستي، شر و دشمني است. يکي از کارکردهاي دين انگيزه‌آفريني و تقويت ايمان و باور به هدف است. علاوه بر اين دين ضمن جهت‌دهي به بينش‌ها و رفتارها، باورهاي عميق در وجود افراد را توليد و بازتوليد مي‌کند (عسگري، ۱۳۸۴: ۲۰).

بنابراين سيره عملي امام حاكي از آن است که امام قبل از هر چيز اقدام به احيا و ترويج ارزش‌هاي اسلامي به عنوان مهم‌ترين کانون توليد قدرت نرم کرده است. مطابق چرخه توليد قدرت نرم در مرحله اول به شدت نيازمند منابع بالفعل قابل استفاده هستيم. پايه منابع از منظر امام در بطن دين اسلام نهفته است. امام منشأ اصلي قدرت را خدا و منابع نهفته در دين اسلام ذکر کرده است و حفظ، قدرداني از اين باور را توصيه کرده‌اند. اما هرگز از ساز و کار تجلي قدرت به دست انسان در جامعه انساني

چشم‌پوشی نکرده‌اند بلکه، معتقد بوده‌اند تجلی و تحقق قدرت در جامعه در واقع به اراده انسان‌ها بستگی دارد.

بنابراین قدرت در اندیشه امام بر بنیاد رابطه خدا - انسان به‌عنوان خالق و مخلوق قرار دارد. در این تفکر هم جانب ابعاد انسانی قدرت نرم - با تأکید بر عنصر مردم و هم جانب بعد الوهی آن - با تأکید بر منشأ خدایی قدرت، بهترین نمود قدرت نرم‌فزارانه است.

قدرت در چهره معنوی (قدرت نرم) بخش مهم قدرت در اندیشه امام خمینی (ره) را شامل می‌شود. آنجا که امام با قطعیت از قدرت الله‌اکبر، قدرت خون سیدالشهدا، قدرت ایمان، قدرت امدادهای غیبی و ... نام می‌برد. منابع قدرت نرم از منظر امام عمدتاً ناشی از دین است. در اسلام به دلیل آنکه بنیادهای ایمانی، اعتقادی و مشارکتی قدرت به مراتب برجسته‌تر از ابعاد تحمیلی و اجباری آن است باعث می‌شود قدرت در این مکتب اساساً نرم باشد. قدرتی که با هدف تضمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها طرح شده و منابع آن عمدتاً درونی شده و منطبق با فطرت انسان‌هاست. این قدرت با بهره‌گیری از چنین منابعی بیشترین توان اعمال اراده از طریق جذابیت را دارد (افتخاری، ۱۳۸۹). برخی از منابع نرم‌افزری قدرت از منظر امام که ریشه در جهان‌بینی اسلامی امام دارد عبارت‌اند از:

#### الف. خدا

امام خمینی برمبنای هستی‌شناسی و قدرت فلسفی و عرفانی، منشأ همه قدرت‌ها را از خداوند دانسته است، بنابراین، منشأ قدرت سیاسی را هم از زاویه نگرش فرمانروایان و حاکمان و هم از دیدگاه فرمانبران و تابعان فرا انسانی و خدایی معرفی می‌کند و معتقد است: این را ماباید احساس کنیم، این قدرت از منشأ قدرت است، آن قدرتی هم که انبیا داشتند از انبیا نبود. بشر از اول تا آخر هیچ است، آنچه هست قدرت خداست و آن قدرتی که شما را به استقلال و آزادی رساند، قدرت خدای تعالی بود (توحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

#### ب. قدرت ایمان

کلیدی‌ترین مفهوم در اندیشه امام خمینی، همان است که از آن با عنوان معجزه الهی نام می‌برند؛ یعنی تحول معنوی انسان‌ها از هرآنچه غیر خداست به ایمان و اتکا به خداوند تبارک و تعالی.

«این غیر از تقدیر الهی، غیر از حکم الهی نیست، اگر ایمان نبود نمی شد، ایمان به خدا این کار را کرد، ایمان به مبادی اسلام این کار را انجام داد. همه با هم گفتند که ما اسلام رامی خواهیم، این ایمان بود. قدرت ایمان غلبه کرد بر این قدرت‌ها و الا ما چیزی نداشتیم» (صحیفه نور، جلد ۵: ۱۵۶).

«ان الله لا یغیرو ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» یک واقعیتی است و دستور. واقعیت به این معنا که تغییراتی در یک ملتی و در یک قوم حاصل بشود، این منشأ یک تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسی می شود و دستور است به اینکه که شما نشان می دهید، تغییراتی باشد که آن تغییرات دنبالش یک تغییراتی به نفع شما باشد. شما ملاحظه شود که این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود که در نفوس پیدا شد... تغییراتی بود که از فطرت سالم انسانی متحول شده بود به یک انسان غیر سالم... و بحمدالله... در این نهضت تغییر و تحول در آن طرف شد.» (صحیفه نور، جلد نهم: ۲۰۶).

«آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید او را جزو معجزات ما حساب بکنیم، همان انقلاب درونی بود. انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شود و همان انقلاب درونی آن‌ها و شناخت آن‌ها از اسلام و توجه آن‌ها به خدای تبارک و تعالی موجب شد... پیروزی را». (صحیفه نور، جلد ۱۹: ۲۶۹).

### ج. قدرت دین اسلام

یکی از بنیان‌های محکم قدرت نرم اسلامی، اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه) است. دین کاملی که مورد خواست انسان برای رسیدن به کمالاتی است که فطرت آن‌ها را دنبال می‌کند. اسلام ناب، حفظ حقوق آحاد جامعه حتی غیر دینداران را واجب و لازم شمرده، بر آنان مهربانی و محبت را لازم کرده، به رحم بین مسلمین دستور داده و در مقابل کفار و تجاوزکنندگان به حدود و ثغور مسلمانان دستور شدت و غلاظت برخوردار داده است. ولایت غیر مسلمانان را بر مسلمانان بر نمی‌تابد، دوستی با دشمنان را موجب ذلت و پایمالی حقوق جامعه می‌داند. و ...

«شیاطین فهمیدند قدرت اسلام در چیست... دیگران هم فهمیدند که نه، قدرت اسلام بیش از این مسائل است که اینها خیال می‌کنند. قدرت اسلام است که یک مملکت را یک پارچه بر ضد آنها به راه می‌اندازند. بسیج می‌کنند. این قدرت اسلام است.»

#### د. برادری دینی

آیت‌الله شاه‌آبادی، برای قوام و دوام بخشی به جامعه دینی، تبیین معارف را لازم می‌داند و از بارزترین عناصر این مهم نیز مسئله اخوت را بر می‌شمرد. اخوت که برقرارکننده ارتباط قلبی و بنیادین در جامعه بین افراد است را بر محور دین می‌داند و دین را برپاکننده چنین ارزشی می‌داند که می‌تواند اساس یک جامعه مقتدر را بنیان نهد. حضرت امام وحدت را از سنخ رحمت و محصول مقدماتی دانسته که بدون آنها حاصل نخواهد شد. او فرموده است:

«باید کوشش کنید، که این رحمت ادامه پیدا کند و کوشش این است که اولاً الهی بشویم، در راه خدا خدمت کنیم، خودمان را فرمانبر از خدا بدانیم و خودمان را از او و به سوی او بدانیم و دنبال همین معنا آن وقت آن مسئله دوم که وحدت و انسجام است حاصل می‌شود. برای اینکه تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است.»

«این... وحدت و قدرت ایمان بود که مردم را به پیروزی کشاند.» (صحیفه امام، ج ۶: ۳۹۲)

#### ه. ولایت

ولایت به معنای رابطه میان رهبر و پیروان است که به رهبری اعتقاد دارد. ولایت در اسلام امری قلبی است که با اعتقادات افراد سر و کار دارد. در این اندیشه، کسی که ولایت خدا را نپذیرد، تحت ولایت شیطان درخواهد آمد. و رهبری آن را می‌پذیرد. به همین دلیل پذیرش ولایت کسی که خدا امر به اطاعت از او کرده است، بر همه مسلمانان واجب است. بنابر اعتقادات شیعه، ولایت از هر امر دیگری در اسلام اهمیت بیشتری دارد. علت این است که رهبر و امام، رابطه‌ای خاص و ویژه با پیروان خود برقرار می‌سازد که از هر رابطه دیگری قوی‌تر است. او می‌تواند از این رابطه برای هدایت یا گمراهی مردم استفاده کند. در واقع امام، سرمایه بسیار عظیمی در اختیار دارد و به وسیله آن قادر به انجام کارهای بسیار بزرگ‌تر است. (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

ولایت در لغت به معنای تصرف و قدرت یافتن بر چیزی، قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر، به طوری که بین آنها فاصله نباشد. و در تعبیری دیگر به معنای دوستی و محبت، نزدیکی و قرب، استیلا و قدرت تصرف، آمده است (عیوضی، ۱۳۹۰: ۶۴). هر سه معنی در بحث ما اثر دارد. ولی با رابطه محبت آمیز، مردم را به دور خود جمع و با رضایت و همکاری آنها در امور ایشان تصرف می کند. وجه مشترک همه معانی، قرب معنوی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۲) ولایت سه روی دارد: ولی، مردم را هدایت می کند، مردم ولی را نصرت و یاری می دهد، رضایت خدا جزای اطاعت مؤمنان است.

#### و. غیب (امداد غیبی)

ایمان به غیب به نص قرآن کریم و از نشانه های مؤمن بودن است. خداوند در شرایط خاص از خزائن غیب خود به بندگانش مدد رسانی می کند. امدادهای غیبی در طول تاریخ اسلام از ابتدا تاکنون مورد توجه بوده و موارد فراوانی از آن گزارش شده است. خداوند در جنگ بدر، پیامبر خود را مدد رسانی می کند.

«این خدای تبارک و تعالی است که این پیروزی ها را نصیب شما و نصیب ملت شما کرده است... (بعثی ها) در سنگرهای از پیش ساخته نشسته اند... و به همه جور مهمات مجهز هستند... آن وقت یک عده از این طرف در بیابان ها راه بیفتند و آنها را از سنگرها بیرون کنند و سنگرها را خالی کنند و از آنها آن قدر اسیر بگیرند که شما می دانید، یک مسئله ای نیست که ما (آن را) یک امر عادی حساب بکنیم و پای خودمان حساب کنیم. این مسئله مافوق طبیعت است. این مسئله روی عنایاتی است که خدا به شما کرده است و دارد و برای ما همه این عنایت خدای تبارک و تعالی بالاترین درجه است.»

#### ط. اسوه ها و الگوها

اسلام تأسی به انسان های شایسته را مورد تأیید قرار داده و آنها نمونه هایی از نوع بشر معرفی کرده است تا انسان بداند که به دست آوردن چنین جایگاه و شأنی ممکن و میسر است، به ویژه در حوزه عمل توحیدی و آزادگی و ظلم ستیزی و نفس زدایی از خویش که همه در جای خود تحرک بخش درونی یا بیرونی اند. یعنی هم در حرکت و پالایش انسان مؤثر است و هم در حرکت و پالایش اجتماع.

«اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود ۱۵ خرداد پیش نمی‌آمد؛ هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را بر پا کند مگر قدرت خون سید الشهداء». (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ۳۴۶).

#### ظ. شهادت و ایثار

از منظر امام عرفان شهید در عمل او متجلی شده و روشن‌بینی او و دیگران را سبب شده است، و در قطره‌های زلال خون او شکوفا می‌شود. جاودانگی نام و مرام حسین بن علی و همراهان او را می‌باید از این منظر نگریست. امام خمینی نظاره شهیدان بر خاکیان را خاطرنشان می‌سازد که نمودار آرمان‌ها و سلوک‌های خالصانه و باطل‌ستیزانه‌شان است و بشارت‌دهنده آینده‌ای سرشار از عزت و عدالت.

«و اینک ما شاهد آنیم که سبک‌بالان عاشق شهادت بر توسن شرف و عزت به معراج خون تافته‌اند و در پیشگاه عظمت حق و مقام جمع‌الجمع به شهود و حضور رسیده‌اند و بر بسیط ارض ثمرات رشادت‌ها و ایثارهای خود را نظاره می‌کنند که از همت بلندشان، جمهوری اسلامی ایران پایدار و انقلاب ما در اوج قله عزت و شرافت مشعل‌دار هدایت نسل‌های تشنه است و قطرات خون‌شان سیلابی عظیم و طوفانی سهمناک را برپا کرده است و ارکان کاخ‌های ظلم و ستم شرق و غرب را به لرزه انداخته است» (۲۶).

«شما گواهان صادق و یادگار عزم‌ها و اراده‌های استوار و آهنین، نمونه‌ترین بندگان مخلص حق هستید که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به درگاه اقدس حق تعالی با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند و در میدان جهاد اکبر با نفس و جهاد اصغر با خصم، واقعیت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه اراده انسان را بر شیطان مجسم کردند».

#### ۲.۴. الگو پردازی

مرحله دوم در تولید قدرت نرم الگوپردازی است. در این مرحله اعمال‌کننده قدرت باید بتواند خود را به عنوان مظهر انگاره‌های مطلوب معرفی کند. تا تابعان را به دنباله‌روی از خود ترغیب کند. این برتری‌ها در ذهن تابعان می‌تواند این احساس را به وجود آورد که مسیر درست رسیدن به موفقیت، مسیری است که الگوپرداز طی کرده است؛ لذا،

اعمال‌کننده قدرت در اینجا در جایگاه الگویی قرار می‌گیرد که کنش مورد نظر وی، در اصل عمل به توصیه او برای قرار گرفتن در مسیر موفقیت قلمداد می‌شود. در اینجا دو چیز لازم است: اول، برتری در عرصه‌هایی که برای طرف مقابل نیز دارای اهمیت است؛ دوم، توانایی به تصویر کشیدن این برتری‌ها به نحوی که در نظر مقابل مهم و بزرگ جلوه کنند.

باید به این نکته توجه داشت که قدرت نرم را می‌توان در دو سطح مورد استفاده قرار داد: در یک سطح می‌توان قدرت نرم را معطوف به شخصیت و ویژگی‌های اعمال‌کننده قدرت به کار برد. در این صورت، ترجیحات طرف مقابل بر این اساس شکل می‌گیرد که همراهی و موافقت با اعمال‌کننده قدرت به معنی تأمین منافع، رعایت ارزش‌ها، تقویت جایگاه در گروه، و یا رسیدن به موفقیت و برتری است. در این صورت، نیاز است تا با برقراری ارتباطاتی درازمدت با طرف مقابل این پنداره در او به تدریج شکل گرفته و تقویت شود. اما در یک سطح نیز، قدرت نرم معطوف به موارد و اهداف خاصی اعمال می‌شود. در این سطح همراهی در انجام یک کنش خاص می‌تواند تأمین‌کننده منافع طرف مقابل، نشان‌دهنده التزام او به ارزش‌ها، تقویت‌کننده جایگاه او در گروه و یا تضمین‌کننده موفقیت و برتری او تلقی شود.

ویژگی‌های منحصر به فرد شخصیتی حضرت امام، او را به الگوی بی‌نظیر توانمندی تبدیل کرد که توانست توده‌های مردمی را با خود همراه کند و در حکم رهبری فرزانه از نیروی بالقوه آن‌ها؛ سرمایه اجتماعی بالفعل در جهت پیشبرد اهداف نظام سیاسی بسازد. به تعبیر حضرت امام لازمه رهبری جامعه اسلامی، شناخت درست راه خدا، لوازم رشد و تعالی، منافع، مفاسد مردم، شناخت چگونگی بازگشت بشر به سوی خدا و ابزار و وسایل آن و شناخت موانع و دشواری‌های راه است (امام‌خمينی، ۱۳۷۲: ۸۸). از این رو ائمه استوانه‌ها و علائم راه خدا برای جامعه هستند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). رهبر بر خلاف مدیر فاتح قلوب به لحاظ روان‌شناختی و محور وحدت و سرمایه اجتماعی به لحاظ جامعه‌شناختی است. هدف رهبر جامعه اسلامی تأسیس جامعه توحیدی و ظهور اجتماعی عبودیت و ترک انانیت و خودخواهی است. برخی



منابع قدرت نرم در رهبری امام که منبعث از ویژگی‌های شخصیتی و سیره عملی امام است عبارت‌اند از:

### الف. قدرت اجتماعی

اشاره شد قدرت نرم، قدرتی اجتماعی شده است که ناشی از اراده مردمی است که در یک سرزمین معین و بر اساس یک سری ارزش‌ها و منافع مشترک زندگی می‌کنند. این قدرت می‌تواند پشتوانه نظام یا علیه آن باشد. یکی از عوامل مهم تبدیل این نیرو به پشتوانه، تعامل حاکم با مردم است. در بینش اسلامی حاکم و مردم با هم برابرند. برابری عملی رهبر با مردم قدرت اجتماعی تولید می‌کند که از منش و روش هدایت و رهبری او حاصل می‌شود. در حکومت اسلامی، شخص اول ملکت با دیگران برابر است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۹۷). هم‌رنگی شئون زندگی امام و امت، اعتماد رهبر به امت و رعایت حقوق متقابل می‌تواند برای حاکم قدرت اجتماعی ایجاد کند (عیوضی، فتحی، ۱۳۹۰: ۷-۷۶).

رابطه حاکم و رعیت در منشوری که از جانب امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر ارائه شده است، به روشنی ترسیم شده است. امیرالمؤمنین به مالک دستور می‌دهد که رابطه خود با مردم را بر اساس محبت قلبی استوار سازد.

«رحمت و محبت و لطف به رعیت را به قلب خود بفهمان یا رحمت و محبت و لطف به اعضای جامعه را از دل خود دریاب» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۶۷).

باورداشت و اعتقاد راسخ امام به مردم یکی از عناصر اصلی و رموز پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی بود. این رابطه و پیوند دو جانبه قلبی و عاطفی همواره بین امام و امت برقرار بود. شناخت عمیق امت نسبت به ویژگی‌های برجسته شخصیتی امام همچون شجاعت، تدبیر، درایت، ایثار و گذشت، خدامحوری، شهادت‌طلبی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و ... بسترساز ارادت راستین خاطر امت به امام بوده است. در همین راستا بود که همواره در تمام شرایط تاریخی پیش و پس از انقلاب اسلامی امت گوش به فرمان امام حرکت می‌کردند.

در بحث پیوند قلبی و عاطفی امام و امت، نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود:

«من به جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله می باشند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۱).

تأکیدات مکرر امام بر مردم به عنوان ولی نعمت و درخواست های جدی از دولتمردان نظام در رسیدگی به حال و رفاه آن ها بخشی از واقعیت اعتقادی امام راحل به مردم بود. «امروز مردم از وضع دولت مطلع اند و شما، مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید. دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کار بکند و هر یک از ادارات و وزارتخانه ها باید این مسئله را مد نظر داشته باشند که برای خدا مردم را راضی نگه دارند» (همان، ج ۱۶: ۴۹۳).

«شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری کنید که مردم به شما متوجه شوند... کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید» (همان، ج ۷: ۲۵۳).

ضرورت توجه به دولتمردان به پشتیبانی و ضرورت خدمت خالصانه به مردم و با انگیزه صرفاً الهی نکته ای است که در کمتر و شاید در هیچ نظام سیاسی در دنیا به چشم نخورد و این ویژگی بارز یک نظام الهی مبتنی بر آرای مردم است. که بسترساز اقناع درونی و تولیدکننده قدرت نرم آن هم از برترین نوع آن است.

### ب. شخصیت کاریزمای امام

بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد و شخصی، تصویری است که ماکس وبر، از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت های بزرگ متنفذ و کاریزما به دست داده است (فروند، ۱۳۶۸: ۲۴۴). بخشی از قدرت نرم امام خمینی را باید در ویژگی های فردی و اخلاقی ایشان جست و جو کرد؛ چرا که اگر این ویژگی ها نبود، موفقیت و نتیجه مطلوب نیز حاصل نمی شد. ویژگی هایی که امام را به عنوان رهبری بی نظیر در تاریخ جهان اسلام مطرح می کند. لذا، مقام معظم رهبری با اشاره به این ویژگی ها می فرماید:

«آن بزرگوار، قدرت ایمان را با عمل صالح، و اراده پولادین را با همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با حزم و حکمت، صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، و قاطعیت ابهت و صلابت رهبری را با دقت و عطوفت و خلاصه بسی خصایص نفیس

و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها و قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والای انسانی او، جایگاهی دور از تصور و اساطیرگونه، بود. او رهبر، پدر، مراد محبوب ملت ایران و امید روشن همه مستضعفان جهان به خصوص مسلمانان بود (بیانات رهبری در جمع اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۶۹).

از منظر امام کسانی که با تهذیب نفس برای اداره و هدایت جامعه اقدام می‌کنند، خداوند دل‌های مردم را به آن‌ها متوجه می‌سازد. امام به آیه کریمه «آنان که ایمان آورده و کارهای پسندیده می‌کنند، به زودی محبوب دل‌ها خواهد شد» (سوره مریم، آیه ۹۶) استشهاد می‌کند و جلب و جذب قلوب را یک نوع اجر الهی می‌شمارد (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵). از سویی، خداوند محبت او را در دل‌ها می‌افکند و از سوی دیگر، رعب و هیبت او را در دل‌های دشمنان می‌اندازد. ایمان و عمل صالح جاذبه و کشش فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند. اخلاق عالی‌ه انسانی، تقوا، پاکی، درستی، امانت، شجاعت، ایثار و گذشت، امام خمینی را محبوب قلوب مردم گردانید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۱۳: ۱۴۵). از نتایج عدم دلبستگی به دنیا، میانه‌روی، عفو و بخشش در حال قدرت و رفق و مدارا با مردم است، که تأثیر مهمی در جذب مردم دارند. شفقت و مهر رهبری از یک سو و دخالت دادن آن‌ها در تصمیم‌سازی‌ها درباره امور مهم اجتماعی، سیاسی و نظامی از سوی دیگر و عفو بخشش و طلب آمرزش اشتباهات آن‌ها، از سوی سوم عامل جذب مردم و امت به رهبر و ایجاد حرکت جمعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در جهت رسیدن به مقاصد عالی‌ه اسلامی است.

### ج. قدرت مرجعیت امام

همان‌طور که در تاریخ ایران مشاهده می‌شود نقش مراجع تقلید در شکل‌گیری و پیروزی نهضت‌ها بسیار حائز اهمیت بوده و از آنجا که فتوای مراجع همانند حکم پیامبر اکرم و اطاعت از آن واجب است لذا مراجع می‌توانند در بحران‌های سیاسی با صدور فتوا مردم را به عرصه سیاست کشانده و در جهت نیل به اهداف انقلاب از حمایت و اطاعت مردم استفاده کنند و این همان قدرتی است که به‌وسیله آن میرزای

شیرازی با صدور فتوای تحریم تنباکو توانست یک قرارداد بین‌المللی را که مغایر با منافع و مصالح ملی کشور می‌دانست به‌راحتی و بدون خونریزی و آشوب فسخ کند. با اطلاق حجت بر فقیه عادل که در متون اسلامی آمده، این اعتقاد و باور را ایجاد می‌کند که این قدرت فراتر از اطاعت از قدرت‌های مادی است. این قدرت تا حدی عمیق و کارا است که بعضی از اندیشمندان یکی از اصلی‌ترین دلایل پیروزی انقلاب اسلامی را همانا مرجعیت امام خمینی ذکر کرده‌اند. از جمله در مقاله‌ای تحت عنوان "نهاد مرجعیت در دوران نهضت و نظام" این چنین مطرح می‌گردد که «امام دو بُعد داشتند از یک سو مرجع تقلید بوده و از سوی دیگر مصلحی مبارز و آزادی‌خواه و در یک کلام "مرجع مصلح"؛ راز موفقیت امام نیز در همین نکته نهفته است. نفوذ و اعتبار امام بر پایه مبنای تقلید بوده و زبان رهبری ایشان نیز "زبان تکلیف" که مردم با این مبنا و این زبان انس دیرینه داشته‌اند» (۱۰).

### ۳. ۴. مرحله سوم تبدیل منابع اولیه قدرت نرم به سرمایه اجتماعی و مشروعیت

در قسمت دوم این مقاله اشاره شد که سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی بسان دو منبع مهم قدرت نرم محسوب می‌شوند. در این مرحله نحوه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی اشاره می‌شود که چگونه از منابع قدرت نرم موجود در بطن دین اسلام و نیز در سیره عملی امام خمینی حاصل می‌آید. قبل از پرداختن به این مهم ابتدا نگاهی اجمالی خواهیم داشت بر توصیف این دو مقوله.

#### الف. سرمایه اجتماعی

اگرچه از عمر مفهوم سرمایه اجتماعی، و ورود آن به عرصه مسائل اجتماعی، علوم سیاسی و مدیریت حدود یک قرن می‌گذرد، اما کاربرد وسیع آن تقریباً از سه دهه قبل آغاز شده است. لیکن به‌رغم گذشت این سال‌های نسبتاً طولانی، هنوز کشمکش‌ها در خصوص محتوا، مؤلفه‌ها و اجزای آن استمرار داشته و منشأ مناقشات فراوان بوده است. و از رهگذر همین مناقشات، شاهد گسترش مبانی نظری سرمایه اجتماعی هستیم.

سرمایه اجتماعی، اولویت عاملیت انسان را در تحولات جامعه نسبت به سایر متغیرها نشان می‌دهد. سرمایه اجتماعی، شناخت جدیدی از نظام اجتماعی است که کارایی سیستم‌ها و

تصمیم‌ها در عرصه‌های کلان جامعه را بهبود می‌بخشد. سرمایه اجتماعی با متغیرهای جامعه‌شناختی چون، نهاد، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط و همکاری اجتماعی تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی از یک سو برآیند آن‌ها و از سوی دیگر تقویت‌کننده و نگهدارنده آن‌ها است (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۵۳).

سرمایه اجتماعی هر منبعی است که به دارنده آن امکان می‌دهد با اثرگذاری در محیط منافع خود را در رقابت با دیگران به دست آورد. افراد و جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی باشند، به هنگام مواجهه با مسائل، حل و فصل منازعات و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید از موضع محکم‌تری برخوردار خواهند بود. سرمایه اجتماعی نیروی موجود در ساخت روابط و سازمان جامعه است که کم‌وکیف کنش‌های تقابلی را سازمان می‌دهد. ساخت جامعه به مجموعه هنجارها، ارتباطات، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، و به‌طور کلی میدان فرهنگی یک جامعه دلالت می‌کند. سرمایه اجتماعی نوعی توانایی است که می‌تواند در کوچک‌ترین گروه اجتماعی یعنی خانواده و نیز در بزرگ‌ترین گروه یعنی ملت و در همه گروه‌های دیگر مابین اینها تجسم یابد. از نظر پی‌بوردیو سرمایه اجتماعی:

«مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به‌واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی‌های متقابل به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار کرده است و آنان را شایسته اعتبار می‌سازد».

به عقیده پوتنام سرمایه اجتماعی «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند (پوتنام: ۲۸۵). وی شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل را تأمین کرده و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود.

### ب. تأثیر ارزش‌های اسلامی احیا شده بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

دیدگاه صاحب‌نظران، اعتماد اجتماعی قلب سرمایه اجتماعی است و روابط و شبکه‌های اجتماعی پوسته آن هستند. در این به بررسی قسمت ویژگی‌های دین و ارزش‌های اسلامی بر نحوه اعتماد و ارتباط میان انسان‌ها پرداخته می‌شود.

ارتباط میان افراد در جامعه اسلامی، فرامادی است. یعنی اینکه خداوند میان مؤمنین، پیوندی قوی برقرار می‌سازد. یک سازمان به دلیل اعتقاد به خدا، به مؤمنین اعتماد می‌کند و رابطه قوی با دیگر اعضای جامعه اسلامی برقرار می‌سازد. ایمان به خدا باعث می‌شود که فرد ریسک برقراری ارتباط با افراد دیگر را در حداقل ممکن ببیند و با اعتماد و اطمینان با دیگران رابطه برقرار کند. حتی اگر دیگران ارتباط خود را با او قطع کنند، فرد مؤمن این ارتباط را حفظ می‌کند و اجازه نمی‌دهد که ارتباط قطع شود (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

در سرمایه اجتماعی به معنای عام انجام اعمال بشردوستانه و خیرخواهانه عامل مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. فرد مؤمن برای رستگاری خود به دنبال انجام عمل صالح است. در جامعه اسلامی هر کس می‌کوشد به دیگران کمک کند و از این طریق به خدا نزدیک‌تر شود. طبیعی است که این آموزه به گسترش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد. مجموعه افرادی که دارای ایمان و عمل صالح هستند در جامعه اسلامی گرد هم می‌آیند و ارتباط ویژه‌ای با هم برقرار می‌سازند. این ارتباط موجب شکل‌گیری شبکه‌ای خاص می‌شود که سرمایه اجتماعی در آن به بهترین شکل امکان ظهور دارد (همان: ۱۲۹). مذهب با توصیه به فرد در مورد توجه به دیگران و از خودگذشتگی، پیوندهای مورد نیاز سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. مذهب می‌تواند با تحمیل این خواسته به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد.

نکته مهم در مذهب، ترویج اعتماد است. فارغ از آنچه در جهان خارج ممکن است وجود داشته باشد، معتقدین را به اعتماد به یکدیگر فرا می‌خواند و با ارائه یک جهان‌بینی، سعی می‌کند محیط دینی را قابل اطمینان معرفی کند. برادران دینی، به

یکدیگر فراتر از آنچه معمول است اطمینان دارند. اجتماع معتقدین به یک مذهب، برای تولید اجتماع به برهم کنش مستقیم افراد نیازی ندارد. یک اعتقاد به اشتراک گذاشته شده، به مؤمنین اجازه می‌دهد، به یکدیگر اعتماد داشته باشند. برای یک فرد مسلمان سخن تمام کسانی که به روز قیامت اعتقاد دارند، مورد اعتماد است. هر مذهب، سرمایه اجتماعی را از راه ویژه خود مورد تقویت قرار می‌دهد. نیکی به وسیله پیروان هر انجمن، فراتر از مسئولیت‌های رسمی آن‌ها گسترش می‌یابد (همان: ۱۱۱).

کلمه الفت، بهترین ترجمه قرآنی برای سرمایه اجتماعی است. قیدی که قرآن برای این الفت آورده تأکید بر این مسئله است که پدیدآورنده الفت خداوند است. یعنی منشأ اعتماد و پیوند میان افراد جامعه، از سوی خداست. خداوند تألیف قلوب مؤمنین را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید: «خدا در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و با این تعبیر، مردم را متوجه این مسئله می‌کند که در جامعه اسلامی خداست که مردم را متحد نگاه می‌دارد».

از طرف دیگر هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر است. چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند، بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد (رنانی، ۱۳۸۲: ۲۸). به‌علاوه در این جامعه، اخلاق رواج دارد و رفتارهایی مطلوب در نظر گرفته می‌شود که برای تولید سرمایه اجتماعی مفید است. مؤلفه‌های اعتماد و سرمایه اجتماعی از منظر امام علی (علیه‌السلام) عبارت‌اند از: تأکید بر خدامحوری و تقوای الهی، عدم پیروی و کنترل هوای نفس، تأکید بر انصاف‌ورزی، تأکید بر انجام عمل صالح، تأکید بر رحمت، محبت و لطف نسبت به مردمان، تأکید بر مدارا، ملایمت و غفلت‌ورزی مثبت، تأکید بر عفو بخشش، تأکید بر نفی خودکامگی، تأکید بر نفی ظلم و ستم، نفی تبعیض و توجه به خواص و خواص‌گرایی و توجه به توده مردمان (عامه‌گرایی)، تأکید بر عیب‌پوشی و ستر عیوب، تأکید بر صداقت‌ورزی، تأکید بر حسن ظن به دیگران، تأکید بر خوشرویی و گشاده‌رویی و نفی خشونت‌ورزی، تأکید بر اعتدال و میانه‌روی (فاضلی کبریا، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

مبانی فردی در نگاه امیرالمؤمنین در خصوص تولید، انباشت و بازتولید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اصل اساسی و لایه بنیادین است. حضرت علی (علیه السلام) خودسازی فردی را بنیادی‌ترین عامل جهت رشد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌داند. حضرت معتقدند هر کس رابطه خود و خدای خود را اصلاح و آباد کند، خدا نیز رابطه مردم را با او اصلاح و فرد را عزیز می‌گرداند (همان).

### ج. تأثیر منابع قدرت نرم امام بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

به تعبیر پوتنام، اعتماد، هنجارها و روابط عناصر اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، که اعتماد مهم‌ترین مؤلفه سازنده آن است. قدرت اجتماعی امام، خصایص ناشی از شخصیت کاریزماتیک امام، قدرت مرجعیت امام از جمله منابع اعتمادساز مردم به امام محسوب می‌شود. ویژگی‌های برتر شخصیت امام خمینی که هر کدام گویای گویای بهره‌مندی از صفات الهی است توانست محبوبیت مردمی امام را افزایش همه و مرکز جذب قلوب مؤمنین شود. به تعبیر حضرت امام هر کس یا چیزی به میزانی که بهره‌مند از صفات جمال و جلال باشد مرکز جذب است. «در نزد اهل معرفت صفات جمال صفاتی است که انس و دلبستگی آورد» (امام خمینی).

در این فرایند شخصیت الگو شده امام توانست تغییرات احساسی عاطفی لازم را در امت ایجاد و در مردم حب قلبی ایجاد کند که نقش مهم‌تری در تغییرات رفتاری دارد. احساس؛ احساس‌ها عمیق‌تر از تصویرهاست. تصویرسازی با ذهن و نگرش و دلیل و برهان سر و کار دارد. در حالی که احساس با عواطف وجدانیات و گرایش‌ات مرتبط است. احساس مرتبه بالاتر از آگاهی و انگاره‌سازی است. به تعبیر ملاصدرا «دلیل و برهان هر قدر هم قاطع و مستدل باشد نمی‌تواند جای احساس را بگیرد. همیشه دلیل و برهان دون احساس و احساس بالاتر از دلیل است». این موضوع یک اصل مهم در مطالعات امنیتی است که درک احساس تهدید از خود تهدید مهم‌تر است. یکی از ویژگی‌های احساس، آن است که در نسبت‌ها متولد می‌شود. با علم و جهل ضرورتاً رابطه مستقیمی ندارد، جهل ممکن است هم احساس مثبت و هم احساس منفی امنیتی



ایجاد کند یا بر عکس، علم می‌تواند هم احساس مثبت و هم احساس منفی امنیتی ایجاد کند (افتخاری، ۱۳۸۷).

امام علاوه بر جاذبه‌های کم‌نظیر مذهبی - معنوی، مهارت خاصی در سخنوری، شعر و نحوه نگارش دارد، همین عامل فصل جدیدی در ارتباطات اجتماعی امام و امت باز می‌کند (مولانا، ۱۳۷۱: ۴). امام نبوغ خاص در ایجاد ارتباط با توده‌های مردم داشت و با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بی‌سوادترین انسان‌ها مسائل اجتماعی را مطرح می‌کرد. کسانی که بتوانند به خوبی سخن بگویند، قادرند به راحتی در تبیین برنامه‌ها و مشکلات و راه حل‌ها موفق شوند. نیروها را دلگرم کنند. کدورت‌ها را از بین ببرند و جو دوستی و محبت را بین نیروها به وجود آورند و انگیزه لازم را جهت تحرک در افراد ایجاد کنند. کلام به اندازه‌ای مهم است که حضرت امیر می‌فرمایند: «چه بسا سخنانی که از تیر مؤثرترند» (نبوی، ۱۳۷۳: ۱۷۳). سخنرانی‌های ضدامپریالیستی و مردم‌باورانه، سبک زبان و برخورد متعادل امام با گروه‌های درون انقلاب به او محبوبیت بخشید (کدی، ۱۳۳۳: ۲۱). امام تمام توان خود را در کلام و عمل برای تواناسازی مردم به کار می‌برد. تواناسازی نقش مهمی در هویت دهی و جلب قلوب دارد. امام با برخورداری از دانش و مهارت‌های ادراکی، ارزشی و اعتقادات و مهارت‌های ارتباطی، توانست تعهد و مسئولیت‌پذیری، استقلال و هم‌سوایی با آرمان‌ها را در پیروان با تبیین صحیح و به موقع شرایط محیطی به وجود آورد.

#### د. ایجاد مشروعیت

مشروعیت، بنا به تعریف عبارت است از: شناسایی حق حکمرانی. بنابراین مشروعیت‌پردازی تلاشی است برای پاسخ به مسئله بنیادین سیاست؛ یعنی توجیه همزمان قدرت و اطاعت سیاسی. اینکه چه حکومتی حق حکم‌راندن را دارد؟ و چرا باید از فرامین حکومت اطاعت کنیم؟ پرسش‌هایی است که در چارچوب مشروعیت در برداشت نخست آن مطرح می‌شوند و هر پاسخی به آن‌ها به لحاظ وجود شناختی متوجه کلیت نظام سیاسی است (پورسعید، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

در رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی، مشروعیت یک نظام سیاسی به نوع نگرش مردم و میزان رضایت‌مندی شهروندان نسبت به آن نظام بستگی دارد، لذا، مشروعیت در این دیدگاه معادل مقبولیت است. یعنی پذیرش و فرمانبری آگاهانه و داوطلبانه مردم از یک حکومت. و قدرت حاکم را مشروعیت و حقانیت می‌گویند. بنابراین، مشروعیت آن قدرت پنهانی است که در جامعه و کشور موجود است و مردم را بدون هیچ‌گونه اجباری به فرمانبری وا می‌دارد. از این رو می‌توان گفت مشروعیت در اصطلاح سیاسی و علوم اجتماعی آن، یکی و یگانه‌بودن چگونگی به قدرت‌رسیدن رهبران و زمامداران جامعه، با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت مردم جامعه، در یک زمان و مکان معین است. که نتیجه آن، پذیرش حق فرمان‌دادن برای رهبران و وظیفه فرمان‌برداری برای اعضای جامعه است. در بسیاری از تئوری‌های جدید مشروعیت، حکومت را بر رضایت حکومت‌شوندگان می‌دانند (ریعی، ۱۳۸۴؛ همان: ۳۴۱).

دین و اراده الهی، منشأ مشروعیت است. در این نظریه، از آنجا که همه انسان‌ها، در انسان‌بودن برابرند و همه از این نظر حقوق یکسان داند، هیچ‌کس حق حاکمیت بر دیگری ندارد و سرچشمه مشروعیت و حق، تنها خداوند است. چرا که او خالق، رب و ملاک حقیقی همه موجودات است. این نظریه مورد پذیرش اسلام در باب مشروعیت حکومت و قدرت است.

در اندیشه سیاسی امام، جنبه الهی حکومت از جنبه مردمی آن تفکیک‌پذیر نیست، زیرا مردم با اراده جنبی، حاکمیت قانون خدا را پذیرا می‌شوند، لذا، چنین حکومتی هم مظهر اراده الهی و هم تبلور اراده جنبی مردم است. در اندیشه سیاسی امام با وجود اینکه حاکمیت مطلق از آن خداست، لکن انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و کسی نمی‌تواند این حق را از وی کسب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاصی قرار دهد. دو بُعدی بودن حاکمیت و تفکیک‌ناپذیری بُعد الهی آن از بُعد مردمی آن (آرای عمومی) در عمل می‌تواند الگوی کاملی از انسان و جامعه با خدا باشد؛ در جامعه سیاسی هم خدا در آن حضور دارد و هم اراده مردم. بنابراین مشروعیت حکومت

اسلامی ناشی از رضایت مردم نیست، بلکه منشأی خدایی دارد. اما اجرایی کردن قدرت به وسیله مردم صورت می‌گیرد.

با عنایت به این جمله از امام می‌توان دریافت تغییرات نگرشی ایجاد در این فرایند می‌تواند در مقبولیت مردمی به عنوان رکن فعلیت یافتن مشروعیت نظام سیاسی مؤثر باشد و اعمال قدرت سیاسی را کم هزینه‌تر کند.

درباره اینکه چگونه تغییر نگرش افراد می‌تواند منجر به تغییر مشروعیت نظام سیاسی شود باید گفت که، حلقه ارتباط تغییر نگرش سیاسی از طریق انطباق شناختی و ایجاد تغییر در مشروعیت سیاسی، همانا وجود خصیصه مشترک بین این دو موضوع (مشروعیت و نگرش سیاسی)، یعنی ذهنی بودن آن است. به عبارتی اعتقاد به اینکه حکومت دارای مشروعیت سیاسی یا فاقد آن است، اغلب یک باور ذهنی ادراکی است تا پدیده‌ای عینی و مادی. واقعیت و ذهنیت لزوماً از یکدیگر تبعیت نمی‌کنند.

### نتیجه‌گیری

در تعریف نای از قدرت چنین آورده شده که: قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به اولویت‌ها و ترجیحات دیگران به تکیه بر عنصر اقناع‌سازی از طریق بکارگیری عنصر جذابیت. این تعریف دارای دو کلید واژه اساسی است. اول آنکه قدرت نرم به دنبال تحمیل ارزش‌ها، آرمان‌ها، ترجیحات و اولویت‌های خود است. به عبارتی توان انجام کار در قدرت نرم دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد.

نکته مهم دیگر در قدرت نرم استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نرم‌افزاری قدرت می‌باشد. چنانچه اقناع‌سازی با برخورداری از خصیصه مهمی چون مؤثر بودن بودن بهترین شیوه اعمال قدرت محسوب می‌شود. اقناع فرایند تغییر هوشیارانه نگرش‌ها بر اثر انتقال پیام است که در طی آن افراد نسبت به حقانیت یا اشتباه بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها، اهداف هنجارها و احساس خود متقاعد می‌شوند (هارجی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

در مکتب امام، زنده ارزش‌های اسلامی و حاکمیت دین اسلام به معنای زنده‌شدن منابع قدرت اسلامی است که از طریق اثرگذار بر ذهنیت و عواطف انسانی اعمال قدرت می‌کند. در این مکتب اقناع‌سازی یک جوشش درونی منطبق با ذاتیات انسان

است که خود این امر مهم‌ترین ضمانت اعمال قدرت است. به همین دلیل از منظر این مقاله فرایند تولید قدرت نرم در مرحله اول از تغییر در ارزش‌ها و اولویت‌ها و شیوه زندگی شروع شد که توانست فرهنگ دینی را در مقایسه با فرهنگ ملی جهت‌دهنده خط‌مشی حرکت‌ها و فعالیت‌های جامعه برتری دهد. مقولاتی همچون قدرت ایمان، قدرت خون سیدالشهدا، قدرت اسلام، قدرت خدا و... منابع قدرت نرم اسلامی هستند که در نظر و اندیشه امام به‌عنوان منابع اصیل قدرت نام برده می‌شود. در این مرحله احیای ارزش‌های اسلامی یعنی احیای این نوع منابع قدرت.

در مرحله دوم امام خمینی با دارا بودن خصایص و ویژگی‌های خاص شخصیتی خود مانند اخلاص، شجاعت و ... به عنوان الگوی تمام عیار هدایت و رهبری جامعه مطرح می‌شود که با بهره‌گیری منابع قدرتی همچون قدرت اجتماعی، قدرت کارزماتیک و قدرت مرجعیت به ایجاد جریان اجتماعی برای جلب هواداری، تأیید تصدیق و وفاداری دیگران از طریق برانگیختن نسبت به ایده‌ها و آرمان‌های خود می‌کند. امام خمینی با دارا بودن منابع اعتمادی همچون، قدرت اجتماعی، شخصیت کارزماتیک، قدرت مرجعیت و... توانست به عنوان رهبر محبوب امت، شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی در جامعه شود. اعتماد متقابل رهبر و مردم مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی است.

از طرفی ارزش‌های اسلامی احیاء شده که در انطباق کامل با انسان‌ها قرار دارد و همچنین محبوبیت ناشی از برجستگی‌های خصایص رهبری توانست مرکز جلب قلوب مردم قرار گیرد و با ایجاد تغییرات نگرشی مقبولیت مردمی را به عنوان رکن فعالیت یافتن مشروعیت نظام سیاسی را به دنبال داشته باشد. در این فرایند منابع قدرت نرم موجود در بطن دین اسلام و شخصیت الگو شده امام توانست سرمایه اجتماعی و مشروعیت را به عنوان منابع بالفعل قدرت نرم فعال کند.

## منابع

- افتخاری، اصغر، "دو چهره قدرت نرم، در قدرت نرم و سرمایه اجتماعی"، مطالعه موردی بسیج، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۷.
- افتخاری، اصغر، "قدرت بدون خشونت"، در قدرت نرم و عدم خشونت، شارپ، جین، سیدرضا مرزانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- افتخاری، اصغر، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۷.
- امام خمینی، سیدروح الله، "جهاد اکبر"، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۷۶.
- امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام ج ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۶، ۱۹، ۲۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- امام خمینی، سیدروح الله، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- پوتنام، رابرت، دموکراسی و سنت های مدنی (تجربه ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر روزنامه سلام، ۱۳۸۰.
- پورسعید، فرزاد، "فرایند مشروعیت یابی در نظام جمهوری اسلامی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۶، ۱۳۸۳.
- تاجیک، محمدرضا، "امام قدرت و گفتمان"، نامه پژوهش، ش ۸، ۱۳۷۷.
- توحیدی، علی اصغر، قرائت امام خمینی از سیاست، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت، فقاها و عدالت، قم، نشر اسما، ۱۳۷۸.
- حسن زاده آملی، حسن، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۰.
- ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- ردادی، محسن، منابع قدرت نرم سرمایه اجتماعی در اسلام، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- رنانی، محسن، سرمایه اجتماعی، شرط لازم برای توسعه، اندیشه صادق، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۲.
- شجاعی باغینی، محمدمهدی، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
- عسگری، محمود، "مقدمه ای بر فرهنگ استراتژیک"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، ۱۳۸۴.

- عیوضی، محمدرحیم، فتحی، یوسف، "رهبری و سرمایه اجتماعی با رویکرد به رهبری امام خمینی (ره)"، پژوهشنامه متین، ش ۵۱، ۱۳۹۰.
- فاضلی کبری، حامد، "طراحی مدل مفهومی سرمایه اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
- فروند، ژولین، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات رایزن، ۱۳۶۸.
- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه، تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، نشر نی، ۱۳۸۷.
- فوکو، میشل، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، ۱۳۸۰.
- قدسی، امیر، "جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۳۸۹.
- کدی، نیک، نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، نشر ققنوس، ۱۳۸۳.
- کگل، استوارت، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، نوشته احمدعلی بابایی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- مولانا، حمید، "امام و انقلاب و ارتباطات"، مجله حضور، ش ۴، ۱۳۷۱.
- نائینی، علی محمد، "مفهوم و ابعاد تهدید نرم در مطالعات امنیتی"، در مجموعه مقالات "جنگ نرم از نظریه تا عمل"، به کوشش حجت الله مرادی، نشر ساقی، ۱۳۸۸.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹.
- هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیسکون، دیوید، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی، ترجمه خشایاربیگی و مهرداد فیروزبخت، رشد، ۱۳۷۷.
- یوسفی، جعفر، "بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان‌های اسلامی و لیبرال دموکراسی"، در مجموعه مقالات، "قدرت نرم و سرمایه اجتماعی" (مطالعه موردی بسیج)، به اهتمام، اصغر افتخاری، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۷.

سال اول، پیش‌شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰  
فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

